

تحلیلی بر مقایسه گزیده شاخصهای مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار

(قسمت اول)

مقدمه

موضوع مختلف، مورد ارزیابی قرار گرفته و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی آنها برای بیان توسعه انسانی دقیقاً موشکافی و بررسی شده است، اما به علت اختلاف در اصول و برداشتهای اجتماعی، فرهنگی آنها تعداد چشمگیری از این موضوعات برای همه کشورها قابل انطباق و استناد نیست^۱. هر گروهی از کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه ویژگیهایی دارند که با اختصاصات کشورهای دیگر برابر نیست. از این رو مسائل کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را به سبب اختلاف در برداشتهای فکری و اصول فرهنگی نمی توان از جنبه های تحقیقی در یک سطح قرار داد.

باورهای اجتماعی، اعتقادات مذهبی، عوامل فرهنگی، سطح زندگی، عوارض محیطی، امکانات رفاهی، راهبردهای سیاسی و در نهایت ساختار خانوادگی غالب کشورها با یکدیگر متفاوت است^۲. از ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه که آنها نیز در سطوح متفاوتی قرار دارند، پائین بودن متوسط درآمد سرانه، مشارکت تعداد قلیل زنان در نیروی کار پاره ای کشورها، نسبت پائین با سوادان، فقر و محرومیت، فراگیر نبودن امکانات مختلف، نسبت بالای سرباری یا وابستگی اقتصادی اکثریت جمعیت به تعداد نه چندان زیاد فعالان اقتصادی، درصد پائین شهرنشینان به کل جمعیت و مسائل گوناگون دیگر است^۳. کشورهای توسعه یافته از شاخصهای مذکور که عنوان محرومیتهای انسانی را دارند به میزان زیادی

شاخصهای توسعه انسانی، اصول و ضوابطی هستند که دانشمندان و متخصصان رشته های مختلف علوم از بین موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، برای مقایسه کشورهای جهان، از نظر سطوح کمی و کیفی دستاوردها و استانداردهای زندگی مردم، در نظر گرفته اند^۴.

از میان محققان و دست اندرکاران این امور، پژوهشگران شاغل در مؤسسات تحقیقی وابسته به سازمان ملل متحد و از جمله بنیاد جمعیت (UNFPA) در انتخاب ویژگیهای مربوطه، نقش مهمتری دارند.

این افراد برای نیل به منظور و اهدافی که دارند، شاخصهای انتخابی را در چند گروه طبقه بندی می کنند و در اختیار پژوهندگان رشته های مختلف علوم قرار می دهند تا با توجه به ارتباط و پیوستگی شاخصهای تعیین شده باز مینه مطالعاتی و مورد علاقه خود از آنها استفاده کنند^۵.

قابل ذکر است که اطلاعات و آمارهای گردآوری شده در هر طبقه چنان با یکدیگر در ارتباط اند که با ملاحظه و مطالعه آنها به سادگی می توان قضاوتهایی کرد. این شاخصها از نظر منابع اطلاعاتی برای مطالعه و تحقیق؛ گنجینه گرانهایی اند که دسترسی به همه آنها توسط افراد و تحقیق شخصی مستلزم صرف وقت زیاد و تساحودوی غیر ممکن است. با آنکه همه کشورهای جهان، با استناد به حدود ۱۸۰

جدول ۱: ویژگیهای جغرافیایی و شاخص های توسعه انسانی (۱۹۹۲-۹۵)

سال	عراق	ترکیه	ترکمنستان	پاکستان	ایران	افغانستان	آذربایجان	نام کشور شاخص
۱۹۹۵	۲۰٫۶	۶۶٫۸	۲٫۱	۱۲۰٫۵	۵۷٫۲	۲۰٫۱	۷٫۶	جمعیت (میلیون نفر)
	۳۳۸۰۰۰	۷۷۹۰۰۰	۲۸۸۰۰۰	۷۷۱۰۰۰	۱۶۲۸۱۹۵	۶۵۲۰۰۰	۸۷۰۰۰	مساحت (کیلومتر مربع)
	کشورهای عربی	آسیای غربی - اروپا	شوروی سابق	آسیای جنوبی	آسیای جنوبی	آسیای جنوبی	شوروی سابق	منطقه
۱۹۹۵	—	۹۵٫۸	—	۲۰٫۲	۹۷	—	—	تولید ناخالص ملی (میلیون دلار)
۱۹۹۵	متوسط	متوسط	متوسط	پایین	متوسط	پایین	متوسط	گروه درآمد
۱۹۹۵	۱۰۰	۶۸	۸۰	۱۲۲	۸۶	۱۷۱	۷۱	رتبه شاخص توسعه انسانی در بین ۱۷۳ کشور و سرزمین
۱۹۹۲	۰٫۶۱۶	۰٫۷۳۹	۰٫۶۹۷	۰٫۳۹۳	۰٫۶۷۲	۰٫۲۰۸	۰٫۷۳۰	اوزن شاخص توسعه انسانی بر اساس مقیاس صفر تا یک
۱۹۹۲	متوسط	متوسط	متوسط	پایین	متوسط	پایین	متوسط	گروه توسعه انسانی

مأخذ

- 1- Country Human Development Indicators United Nations 1994.
- 2- The State of World Population 1995 UNFPA United Nations Population Fund.

از منابع مختلف و مورد استفاده شاخصهای اندک انتخاب و برای آنها منظور شود.

مقایسه شاخصهای برگزیده جدول (۱) بسیاری از مسائل پنهان اجتماعی، اقتصادی کشورهای مورد مطالعه را آشکار می سازد. باین حال در ارزیابی و مقایسه هر شاخص برای هر کشور باید به مسائل گوناگونی توجه شود، زیرا هر یک از این کشورها دارای ساختار اجتماعی و اقتصادی مخصوصی اند که آنها را از کشورهای دیگر متمایز می سازد، برای مثال، می توان به کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد که از نظر بینایهای اقتصادی در زمان حال وضع ناپایداری دارند^۱، درحالی که از نظر نسبت افراد باسواد، دانشمند، متخصص و کاردان فنی از بسیاری کشورها جلوترند.

ذکر این نکته ضروری است که هر چند آمارهای ارائه شده در جداول مختلف، در سال ۹۵-۱۹۹۴ را سازمان ملل متحد منتشر کرده است، لیکن غالب اطلاعات آماری آن در سال ۱۹۹۲ گردآوری شده است که از آن سال تا کنون کشورهای مورد مطالعه افزایش چشمگیری در تعداد جمعیت داشته اند. ارقام جمعیتی جدول شماره (۱) مربوط به سال ۱۹۹۲ حذف و به جای آن از ارقام جمعیتی نشریه The State of World Population, 1995 که از طرف بنیاد جمعیت سازمان ملل متحد اخیراً منتشر شده، استفاده گردیده است.

فاصله گرفته اند و در مقابل، درصد قابل ملاحظه ای از جمعیت آنها به مسائلی چون: فساد اخلاق، اعتیاد، طلاق، عدم پای بندی به اصول و ارزشهای خانوادگی، ازدواجهای غیرقانونی، نامشروع بودن فرزندان، قتل، تجاوزات جنسی، انتشار بیماریهای مقاربتی و از جمله ایذ، ترک خانواده، سقط جنین و مسائل گوناگون دیگر مبتلا اند که این ویژگیها طبقه مشخصی از ضوابط خاص آنها را تشکیل می دهد^۲.

از آنجا که موضوع این مقاله «تحلیلی بر مقایسه گزیده ای از شاخصهای مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار» آن است بنابراین شاخصهای انتخابی در مورد آنها به میزان زیادی مشترک است و این عامل تا حدودی از پیچیدگیهای این مقایسه می کاهد. خوشبختانه آنچه در مورد تعدادی از ویژگیهای کشورهای توسعه یافته بیان شد، در ارتباط با کشورهای همجوار و ایران به ثبت نرسیده است.

در گروه کشورهای مورد مطالعه، ترکمنستان و آذربایجان در نتیجه استقلال تازه به دست آورده خود یا بقیه کشورهای همسایه ایران دارای تفاوتی اند که محدودیت آماری در مورد آنها این تحقیق را با مشکلاتی روبه رو می سازد. فقدان آمارهای لازم از علل عمده و قابل ذکر در این خصوص است که این کشورها به سبب الحاق و پیوستگی با کشور شوروی سابق فاقد آمارهای جداگانه بوده اند. با این حال برای بررسی و انجام دادن این مقایسه سعی شده است تا

مجله پژوهش‌های جغرافیایی

جدول ۲: گروه دوم شاخص های توسعه انسانی

شاخص	سال	آذربایجان	افغانستان	ایران	پاکستان	ترکمنستان	ترکیه	عراق
امید به زندگی در هنگام تولد	۱۹۹۵	۷۱٫۵	۴۵٫۵	۶۹٫۶	۶۴	۶۸	۶۶٫۸	۶۸٫۵
درصد دسترسی به خدمات درمانی	۱۹۸۵-۹۱	—	۴۸	۸۷	۸۷	—	—	۹۹
درصد دسترسی به آب سالم	۱۹۹۵	—	۲۱	۸۹	۵۵	—	۹۲	۹۲
درصد دسترسی به بهداشت	۱۹۸۸-۹۱	—	—	۵۱	۲۴	—	—	۷۰
درصد دسترسی به کاری روزانه از مقدار مورد نیاز	۱۹۸۸-۹۰	—	۷۶	۱۳۴	۱۰۱	—	۱۲۲	۱۳۲
درصد ثبت نام شدگان ابتدایی و متوسطه در مراکز آموزشی	۱۹۹۵	—	۱۵٫۵	۸۵	۳۱٫۵	—	۸۱٫۷	۶۷
درصد با سوادان بزرگسال	۱۹۹۵	—	۲۹	۶۶	۳۴	—	۸۲	۶۳
کل درآمد ناخالص ملی (میلیارد دلار)	۱۹۹۲	۱۲	—	۱۳۳٫۸	۴۹٫۸	۶	۱۰۴	—
تولید سرانه ناخالص (دلار)	۱۹۹۲	۷۳۷	—	۱۹۰۰	۳۹۶	—	۱۹۳۰	۲۵۳۹
درصد رشد سرانه ناخالص هر سال	۱۹۹۱	—	—	-۱٫۳	۳٫۲	—	۲٫۸	—
تولید سرانه واقعی به دلار	۱۹۹۱	۳۶۷۰	—	۴۶۷۰	۱۱۷۰	۳۵۲۰	۴۸۴۰	—

مأخذ

- 1- The State of World Population 1995, United Nations Population Fund.
2. Country Human Development Indicators, United Nations 1994.

تحلیلی بر مقایسه گزیده شاخصهای مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار آن

شاخصهای گروه اول توسعه انسانی

شاخصهایی که در جدول شماره (۱) نشان داده شد و از آنها بنام شاخصهای گروه اول توسعه انسانی نام می بریم، بیان کننده توسعه حقیقی اقتصاد کشورهای مورد مطالعه نیستند، زیرا هر یک از این کشورها تا گذشته ای نه چندان دور زیر سلطه دول استعمارگر بوده و مجال برای بهره گیری از امکانات طبیعی و انسانی خود نداشته اند. در بین کشورهای معرفی شده تنها کشور پایدار در طول تاریخ قدیم و جدید، ایران است که تا قبل از اسلام قدرتی پلامنازع در قاره های قدیم بوده و پس از اسلام تا قرن ۱۵ میلادی، دولتی قوی در سطح منطقه بوده است. در بین سایر کشورها، ترکیه نسبت به کشورهای مورد مطالعه دارای سابقه ای طولانی تر است و حیات سیاسی آن از قرن ۱۵ میلادی به بعد شروع می شود و تا ابتدای قرن بیستم که بر اثر سوء سیاستهای ملی و نفوذ استعمار انگلیس تجزیه شد، رقیبی متخاصم برای ایران بوده و در سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا کشوری متجاوز و توسعه طلب به شمار می آمده است.

ترکیه کنونی بخش کوچکی از امپراطوری مقتدر عثمانی در پنج قرن گذشته است که اکنون در بین کشورهای همجوار خود از موقعیت

اقتصادی نسبتاً خوبی برخوردار است. سایر کشورهای مورد مطالعه که نام آنها در جدول شماره (۱)، آمده است بخشهای جدا شده ای از کشورهای وسیع و بزرگ امپراطوری های ایران و عثمانی اند که دول استعماری از این دو امپراطوری مجزا کرده اند و از اوایل قرن بیستم تا کنون تدریجاً استقلال یافته اند. با آنکه این کشورها در زمان حال مستقل اند، اما وابستگی سیاسی و اقتصادی آنها به قدرتهای جهانی مانع بزرگی در راه توسعه آنهاست، و از این نظر ناچار به تحمل شداید و محرومیتهای زیادی اند. در میان این کشورها پاکستان از حیث جمعیت و ایران از نظر وسعت و درآمد ملی مقامهای اول را دارند و دو کشور آذربایجان و ترکمنستان از حیث بهره مندی از خدمات عمومی و توسعه آموزش عالی در بین سایر کشورها جایگاه خاصی دارند.

افغانستان و پاکستان از نظر مرتبه توسعه انسانی در بین ۱۷۳ کشور جهان و نیز کشورهای مورد بحث در این مقاله دارای رتبه های پائین و کشورهای آذربایجان، ایران، ترکمنستان، ترکیه و عراق دارای رتبه متوسط اند. کشورهای ترکیه، آذربایجان و ترکمنستان به ترتیب با ۶۸، ۷۱ و ۸۰ امتیاز در ردیفهای اول تا سوم و ایران، عراق، پاکستان و افغانستان به ترتیب با ۸۶، ۱۰۰، ۱۳۲ و ۱۷۱ امتیاز ردیف چهارم تا هفتم را به خود اختصاص داده اند. این وضعیت نشان می دهد که از ۷ کشور مذکور چهار کشور ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان و ایران

از نظر رتبه توسعه انسانی در نیمه اول مجموع کشورهای جهان و سه کشور عراق، پاکستان و افغانستان در نیمه دوم این مجموعه قرار دارند.

اگر مقیاس صفر تا یک را ملاک توسعه انسانی قرار دهیم، نوسان این کشورها زیاده‌تر خواهد بود و موقع آنها در کسره‌های زیر جای خواهد گرفت. ترکیه با ۰٫۷۳۹، آذربایجان با ۰٫۷۳۰، ترکمنستان با ۰٫۶۹۷، ایران با ۰٫۶۷۲، عراق با ۰٫۶۱۴، پاکستان با ۰٫۳۹۳ و افغانستان با ۰٫۲۰۸ در جایگاه‌های اول تا هفتم قرار گرفته‌اند.^{۱۱}

تولید ناخالص ملی منهای رتبه توسعه انسانی نیز، شاخص دیگری برای ارزیابی کشورها از جهت پیشرفت اقتصادی، اجتماعی محسوب می‌شود. در این مورد نیز کشورهای ذکر شده با یکدیگر هماهنگ نیستند. ایران با ۹۷، ترکیه با ۹۵٫۸، پاکستان با ۴۰٫۲ میلیون دلار در درجه اول اهمیت قرار دارند و برای کشورهای دیگر در این زمینه درآمدی اعلام نشده است.^{۱۱}

وضعیت توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار آن در مقایسه با یکدیگر با گروه دوم شاخصهای توسعه انسانی (جدول ۲) که مبین مسائل بهداشتی، درمانی و موضوعات اقتصادی است آشکارتر خواهد شد.

■ شاخصهای گروه دوم توسعه انسانی

با آنکه در کتب و نشریات گوناگونی که از طرف ارگانهای مختلف سازمان ملل متحد منتشر می‌شود، آمارهای مفید و دست اول در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد، لیکن به علل گوناگون اطلاعات و آمارهای جمع‌آوری شده فراگیر نیستند و از این نظر موضوعات تحقیقی با مشکلات چندی روبه‌رو می‌شود. چنانکه در جدول (۲) ملاحظه می‌شود بخشی از آمارهای مربوط به کشورهای آذربایجان، افغانستان، ترکیه، عراق و ترکمنستان عرضه نشده است. از آنجا که کشورهای آذربایجان و ترکمنستان اخیراً به جمع کشورهای مستقل پیوسته‌اند، نظام اداری آنها هنوز روال خود را پیدا نکرده‌اند و بنابراین، نمی‌توان چنین وضعی را نشان از عدم همراهی آنها با سازمانهای مختلف دانست. اما در مورد سایر کشورها باید گفته شود که گاهی اوقات آمارهای جمع‌آوری شده کشورها سبب تضعیف موقع آنها در بین کشورها و مجامع مختلف بین‌المللی می‌شود. از این رو کشورهایی که با مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی در درون خود روبرو هستند برای اینکه، مجامع مختلف از وضعیت این کشورها بی‌اطلاع باشند از عرضه آمارهای ناهنجار خود به ارگانهای مسئول خودداری می‌کنند

و به این طریق بر نواقص و نارسائیهای مختلف خود سرپوش می‌گذارند.^{۱۲} در پاره‌ای موارد نیز آمارهای داده شده با غلو و گزافه‌گویی همراهند و وقتی که با ارقام و اطلاعات جانبی سنجیده می‌شوند با حقیقت فاصله زیادی پیدا می‌کنند. با آنکه سعی شده است تا در این زمینه بررسیهای بی‌طرفانه از اطلاعات آماری شاخصهای ارائه شده در جداول به عمل آید، لیکن عدم انطباق داده‌های آماری قضاوت در بررسی را با مشکل روبرو می‌سازد. در این زمینه خوانندگان می‌توانند به ارزیابی ارقام موجود در جداول بپردازند و اظهار نظر کنند. (جدول شماره ۲).

■ امید به زندگی در هنگام تولد

از بررسی جدول شماره (۲) معلوم می‌شود که امید به زندگی در هنگام تولد، در بین کشورهای مورد مطالعه دارای نوسان شدیدی است. افغانستان با ۴۵٫۵ سال امید به زندگی دارای پائین‌ترین میزان امید به زندگی در میان کشورهای مورد مطالعه است. چنین طول عمر کوتاهی، نشان‌دهنده وضع نابسامان اقتصادی، پائین بودن امکانات درمانی و بهداشتی، فقر عمومی، کم‌غذایی و سوء تغذیه و سرانجام مرگ و میرهای زودرس در بین توده‌های زیادی از جمعیت این کشور است. پس از افغانستان، پاکستان با حدود ۲۰ سال اختلاف نسبت به آن کشور دارای امید به زندگی بیشتری است. پاکستان نیز نسبت به سایر کشورهای مورد مطالعه سرمایه و امکانات اقتصادی پائین‌تری دارد.

نیروی کار غالب هر دو کشور را کشاورزی و دامپروری سنتی تشکیل می‌دهد. فقدان سرمایه برای تأمین ماشین‌آلات مدرن کشاورزی، و عدم کاربری تکنیک و تخصص، نمک‌زایی وسعت زیادی از زمین و در نتیجه بازده پائین فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری جمعیت این کشورها را دچار کم‌غذایی، سوء تغذیه و در آخری غذایی کرده است. اختلافات فرقه‌ای، سیاستهای استعماری و فقر فرهنگی از عوامل مانع در توسعه این کشورهاست.^{۱۳}

آذربایجان، ایران، عراق، ترکمنستان و ترکیه، از دیگر کشورهای مورد بحث هستند که به ترتیب دارای امید به زندگی بیشتری‌اند. درآمدهای نسبتاً کافی، توسعه امور درمانی و بهداشتی، کیفیت نسبتاً مناسب آموزش، تعداد قابل ملاحظه افراد آموزش دیده از عوامل عمده امید به زندگی بالاتر در این کشورهاست.

آذربایجان با متوسط ۷۱٫۵ سال امید به زندگی در هنگام تولد، در بین سایر کشورهای مورد مطالعه، مقام اول را دارد و در مقایسه با پیشرفته‌ترین کشورهای جهان حدود پنج سال امید به زندگی کمتری دارد. این کشور، که استقلال خود را پس از تجزیه شوروی سابق به دست آورده است، این موفقیت را مدیون دو عامل: (۱) موقعیت جغرافیایی و (۲) بهره‌مندی از برنامه ریزی موفق آموزشی و بهداشتی

است. مردم قفقاز اساساً از نظر طول عمر در بین سرزمینهای همجوار در سطح بالاتری قرار دارند که عوامل مؤثر بر آن در خور بحث و تحقیق دیگری است.^{۱۲}

■ درصد دسترسی به خدمات درمانی

نسبت دسترسی مردم کشورهای مورد مطالعه به خدمات درمانی دارای نوسان زیادی است. افغانستان در مقایسه با شش کشور دیگر با محرومیهای بیشتری روبروست. بر اساس آنچه در جدول شماره ۲ منعکس است فقط ۴۸ درصد از جمعیت افغانستان به خدمات درمانی دسترسی دارند. عقب افتادگی فرهنگی، سلطه استعماری، اشغال نظامی توسط شوروی در دو دهه اخیر، و منازعات درون گروهی، از عوامل عمده فقر درمانی در افغانستان است. بعد از افغانستان، ایران با ۸۷ درصد از جمعیت خود که توان دسترسی به خدمات درمانی را دارند، در جایگاه دوم قرار دارد. این سرزمین به رغم وجود بنیادهای فرهنگی استوار که از تاریخ باستان تا سده های اخیر داشته است بر مشکلات درمانی خود فایز نیامده است. نفوذ فرهنگ استعماری، فرار مغزها، عدم توسعه مراکز بهداشتی و درمانی تا این اواخر و بالا بودن هزینه های بهداشت و درمان از موانع عمده فراگیر نبودن خدمات درمانی است.

مطابق جدول شماره ۲، کشورهای پاکستان و عراق در مقایسه با افغانستان و ایران از موقع مناسبتری بهره مندند. شکی نیست که در این زمینه در مورد این دو کشور و مخصوصاً پاکستان عراق وجود دارد. چنانکه از این جدول برمی آید، پاکستان در تمام زمینه ها از ایران به طور چشمگیر عقب تر است و بنابراین نمی تواند از نظر خدمات درمانی از ایران جلوتر باشد. به هر حال این دو کشور به ترتیب با ۹۰ و ۹۹ درصد از جمعیت قادر به دسترسی به خدمات درمانی نسبت به کشورهای که در مورد آنها آمارهایی عرضه شده است وضع بهتری دارند. هر چند آذربایجان، ترکمنستان و ترکیه در این زمینه آمار نداده اند ولی به سبب توسعه آموزش عالی در این کشورها و فراگیر شدن امور آموزشی در بین زنان و مردان، موفقیت آنها در پوشش دادن به جمعیت غیر قابل انکار است.

■ دسترسی به آب سالم

ایران و همسایگان آن از نظر دسترسی به آب سالم نیز با یکدیگر تفاوتی آشکاری دارند. در این زمینه آذربایجان و ترکمنستان مانند پاره ای از زمینه های دیگر آماری عرضه نکرده اند^{۱۵}. افغانستان با ۲۱ درصد از جمعیت قادر به دسترسی به منابع آب سالم، در پائین ترین سطح، در میان کشورهای مورد بحث قرار دارد. از علل عمده این نسبت پائین می توان به عدم سرمایه گذاری در توسعه تأسیسات مربوط به سالم سازی آنها، کمبود نزولات جوی در بسیاری از قسمت های این

کشور و فروافتادگی عمیق رودهای آن اشاره کرد. پاکستان از این حیث نسبت به افغانستان دارای اهمیت و رتبه بالاتری است. با آنکه این کشور در بخش شمالی خود از منابع بسیار غنی آب برخوردار است، اما وجود نمک در سطوح مختلف خاک آن، منابع آب را به میزان زیادی شور می سازد^{۱۶}. از طرفی این کشور قدرت سرمایه گذاری عظیم در ایجاد تأسیسات گسترده آبرسانی و سالم سازی و بهداشتی کردن آب مورد نیاز جمعیت خود را ندارد. در زمان حال فقط ۵۶ درصد از جمعیت پاکستان به آب سالم دسترسی دارند.

کشورهای ایران، عراق و ترکیه به ترتیب با ۸۹، ۹۲ و ۹۳ درصد از جمعیت خود که دسترسی به آب سالم دارند، بعد از کشورهای افغانستان و پاکستان قرار گرفته اند. در بین سه کشور اخیر بخشهای وسیعی از کشورهای ایران و عراق به سبب موقعیت بیابانی منابع آب کافی ندارند. بنابراین، گسترش تأسیسات آبرسانی به نقاط دور افتاده این دو کشور نیاز به سرمایه گذاری زیاد و صرف زمان بیشتری دارد. با آنکه در ایران در دو دهه اخیر تلاش زیادی برای احداث سدهای بزرگ و کوچک به عمل می آید، اما اساساً این کشور به علت موقع جغرافیایی خود از سرزمینهای کم آب جهان محسوب می شود. با این حال تردیدی نیست که با اتمام سدهای در دست احداث و تأسیسات آبرسانی درصد بیشتری از جمعیت ایران زیر پوشش شبکه های آبرسانی قرار خواهند گرفت.

به طوری که اشاره شد بخش وسیعی از کشور عراق نیز مانند ایران بیابانی است، لیکن از آنجا که اکثریت جمعیت این کشور در جلگه بین النهرین که آب رودهای دجله و فرات آن را مشروب می کنند، ساکن اند، تأسیسات آبرسانی قادر به پوشش دادن غالب آنهاست^{۱۷}. سرزمینهای کوهستانی این کشور، که در شمال و شمال شرقی آن قرار دارند، از نظر دریافت نزولات جوی موقعیت ممتازی دارند و رودهایی هم که از ایران به طرف این کشور جریان می یابند در تأمین آب مورد نیاز ساکنین این نقاط نقش زیادی دارند.

در میان کشورهای مورد مطالعه، ترکیه دارای بالاترین درصد جمعیت استفاده کننده از آب سالم است. بر اساس آمار داده شده از طرف سازمان ملل متحد ۹۳ درصد از مردم این کشور به آب سالم دسترسی دارند. از علل عمده این موضوع باید قرار گرفتن این کشور را در بین دریاها، سیاه، مرمره و مدیترانه دانست. از آنجا که مرکز جغرافیایی این کشور با دریاهای همجوار فاصله چندانی ندارد، ریزشهای جوی در این کشور در مقایسه با کشورهای همجوار نسبتاً زیادترند و در تأمین منابع آب مورد نیاز آن نقش عمده ای دارند. از طرفی، وسعت ترکیه در حدود $\frac{1}{3}$ مساحت ایران است و تأسیسات بهسازی محیط و تأمین آب سالم برای جمعیت آن در مقایسه با ایران با هزینه بسیار پائین تری امکان پذیر است.